



# تذکره سخنوران نایین

گردآورنده

جلال بقایی نایینی

به انضمام

«تاریخچه و مزارات عرفای نایین»

نوشته: محمدرضا سالک نایینی

تصحیح و توضیح

دکتر علیرضا بافرانی

امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است!

### مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه مطالعه هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد

شده است: «إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره جغرافیایی ایران شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

## فهرست مطالب

نه	پیشگفتار
۱	۱-۱ مقدمه مصحح
۱	۱-۱-۱ نایین شهر هزاره‌های تاریخی
۵	۲-۱-۱ انجمن‌های ادبی نایین
۷	۳-۱-۱ جلال بقایی نایینی کیست؟
۱۱	۴-۱-۱ تذکره و تذکره‌نویسی
۱۳	۵-۱-۱ تذکره سخنوران نایین
۱۵	۶-۱-۱ ویژگی‌های سبکی تذکره سخنوران نایین
۱۸	۷-۱-۱ شیوه تصحیح
۲۱	تذکره سخنوران نایین
	شعرا
۲۲	ابدی
۲۲	ادیب
۲۷	اسعد
۲۷	اسعد
۲۸	اعلامی
۲۹	اعلامی
۳۰	اعلامی
۳۱	اعلامی
۳۳	امامی
۳۴	افسر
۳۴	آزاد
۳۵	آقایی
۳۵	بلاغی

۳۷	باقیا
۳۸	بقایبی
۳۸	بهار
۳۹	بیدل
۴۱	پرستو
۴۱	پروین
۴۲	پیرزاده
۴۲	جامع
۴۳	جامع
۴۳	جانباز
۴۴	جلالا
۴۵	جلوه
۴۶	جواد
۴۶	جوهر
۴۷	حاجی میرزا غلامعلی
۴۸	حجت
۴۹	حسرت
۴۹	حکمت
۴۹	خوشمزه
۵۰	راهب
۵۱	رائی
۵۲	رجا
۵۳	رجاوی
۵۴	رحیمی
۵۵	رزاقی
۵۶	رضوان
۵۷	رضوی
۵۸	رفعت
۵۸	رفیعا
۵۹	رفیقا
۵۹	سالک
۶۰	سرشار
۶۱	سرور
۶۱	سها
۶۲	سمر
۶۴	شاهین
۶۵	شجاعی

۶۵	شکیب
۶۸	شهناز
۶۸	شیدا
۶۹	صادق
۶۹	صادق
۷۰	صفا
۷۰	صفا
۷۲	صحبت
۷۲	صفی نیا
۷۴	طایر
۷۵	طاهر
۷۶	طاهری
۷۷	طرب
۷۹	طباطبایی
۸۰	طیب
۸۰	طوبی
۸۲	طوبی
۸۲	عامی
۸۳	عبرت
۸۴	عبدالقادر نایینی
۸۵	عترت
۸۷	عربان
۸۷	عشرت
۸۸	غُلوی
۸۸	عمّان
۹۰	غوغا
۹۰	غیرت
۹۳	فارغ
۹۴	فاطمی
۹۵	فایض
۹۶	فردی
۹۷	فروغ
۹۸	فرهنگ
۹۹	فلسفی
۱۰۱	قاصد
۱۰۱	قاسمی
۱۰۱	گلبن

۱۰۲	گلشن
۱۰۳	مجرم
۱۰۳	محزوننه
۱۰۴	محیط
۱۰۵	مخلص
۱۰۶	مدهوش
۱۰۷	مذاقی
۱۰۷	مرتاض
۱۰۹	مژده
۱۰۹	مشتاقی
۱۱۱	مشتری
۱۱۱	مشیر
۱۱۲	مصاحب
۱۱۳	مصاحب
۱۱۵	مصاحب
۱۱۶	مفتون
۱۱۷	ملا حسین
۱۱۷	منصور
۱۱۷	منشی
۱۱۸	مغربی
۱۲۰	منوچهری
۱۲۱	میرزا حسن
۱۲۱	نایینی
۱۲۲	نجوا
۱۲۲	نصیرا
۱۲۳	نظام
۱۲۳	نظام العلما
۱۲۴	نقاش
۱۲۶	وفا
۱۲۷	هاشمی
۱۲۷	هدایت
۱۲۸	خاتمه
۱۲۹	تاریخچه عرفای نایین (شرح مزارات و عرفای نایین)
۱۳۹	تصاویر
۱۴۷	فهرست اعلام
۱۵۱	منابع

## پیشگفتار

جلال بقایی نایینی از جمله ادیبان کلاسیک معاصر است که بیشتر به عنوان شاعر در محافل ادبی نایین و اصفهان، شناخته شده است. مجموعه‌های شعری ایشان، «پرتو اندیشه» و «شهد قلم استاد» را شاعران و علاقه‌مندان به شعر و ادب می‌شناسند و با آنها مأنوس هستند. در کنار این دو اثر که نقل محافل شعر و به‌خصوص انجمن‌های ادبی است، کتاب نثری نیز از ایشان به نام «تذکره سخنوران نایین» برجای مانده که کمتر شناخته شده است. این کتاب، شرح حال و نمونه شعر ۱۱۸ سخنور مرد و زن نایینی را از قرن هفتم تا نیمه دوم قرن چهاردهم (ه.ش) شامل می‌شود و بقایی آن را به همت ایرج افشار و مساعدت حسین مصاحبی نایینی و به خط میرزا سید محمدباقر رفیعی طباطبایی نایینی به خط نستعلیق به چاپ رسانده است. نگارنده برای اولین بار برای تالیف کتاب «سخنوران بافران» با کتاب «تذکره سخنوران نایین» آشنا شدم و جلال بقایی نویسنده را با این کتاب شناختم. با وجود آن که این کتاب از نظر پژوهشی و ادبی، ارزش والایی دارد؛ ولی به دلایلی، مهجور و متروک مانده و تا کنون، آن‌طور که باید و شاید، معرفی نشده است. بنابراین اگر بخواهیم حق مطلب و دین خود را به این ادیب توانای معاصر ادا کنیم، باید شخصیت ادبی و هنری او را در هر دو وجه (شاعری و نویسندگی) به خوبی مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم. جلال بقایی شاعر با قطعه‌های طنزآمیز و سرشار از حکمت، غزلیات دلربا و دیگر قالب‌های شعری که عصاره فصاحت و بلاغت را می‌توان در تک تک آن‌ها مشاهده کرد و جلال بقایی نویسنده و تذکره‌نویس با نثری موجز و منشیانه؛ هرچند که خود به زبان شعر در مقدمه تذکره سخنوران نایین، اظهار فروتنی می‌کند و می‌گوید که هیچ‌گاه

نویسنده نبوده است: «... بدانند کار نویسندگی / مرا هیچ گاهی نبوده است فن». با این حال وجه دوم شخصیت ادبی بقایی، غریب و مهجور مانده است؛ شاید دلیل عمده آن تالیف و چاپ این مجموعه به صورت دست‌نویس در سال ۱۳۶۱ باشد. سالی که امکانات چاپ و نشر امروزی در دسترس بوده و می‌توانست در فرم و شکل دیگری ارائه شود. ظاهراً خود جلال بقایی ترجیح داده به این شکل باشد و ایرج افشار، پژوهشگر فرهنگ، تاریخ و ادبیات فارسی و متولّی طبع و نشر این کتاب نیز به این مسئله واقف بوده و در مقدمه کتاب به آن اشاره کرده است. (رک بقایی، ۱۳۶۱: ۴)

اگرچه اهل فن، ادیبان و سخنوران، کم و بیش و گاه به سختی می‌توانند با این متن، ارتباط برقرار کنند؛ ولی بخش زیادی از مخاطبان عام و خاص از مطالعه این گنجینه ارزشمند و فاخر، محروم شده‌اند. بر این اساس و با توجه به این مسئله، ضرورت بازنویسی و تصحیح انتقادی اثر، امری ضروری و غیرقابل اجتناب می‌نمود؛ چراکه این کار می‌تواند حلقه ارتباط و اتصالی باشد بین شعر و ادبیات کلاسیک با مشتاقان و دوست‌داران فرهنگ و ادب و به خصوص کسانی که می‌خواهند در این زمینه به کار پژوهشی بپردازند.

کار پیش‌رو حاصل هم‌نشینی و انس با آثار این ادیب برجسته و در عین حال مهجور در عرصه مطالعات و پژوهش‌های ادبی است و اگرچه تصحیح و بازنویسی این تذکره با سختی‌هایی مانند تک‌نسخه بودن، ناخوانا بودن در بعضی جاها، افتادگی‌ها و بعضی ایرادهای وزنی و نگارشی، همراه بود؛ ولی با همکاری و مساعدت جمعی از دوستان و به‌خصوص آقایان محمد بقایی، محسن عرب بافرانی، یعقوب محمدی، محمد جواد ایمانی، سید محمود رضوی، رسول زمانی نایینی، عبدالحمید مرزوق، علیرضا انواری و دیگر علاقه‌مندان به فرهنگ و ادب، به زیور طبع آراسته شد تا با اقبال محققان و علاقه‌مندان به شعر و ادبیات کلاسیک، از پرده غربت و گم‌نامی به درآید.

علاوه بر این از سال فوت مرحوم بقایی (۱۳۷۶) تا امروز، انجمن‌های ادبی نایین، نقش موثری در تربیت و معرفی سخنوران طراز اول داشته‌اند و اگرچه در کتاب‌های نایین‌نامه، فرهنگ نایین، نشریات محلی و احیاناً در فضاهای مجازی، به‌صورت پراکنده و گاه مختصر به معرفی بعضی از این شاعران پرداخته‌اند؛ ولی بخش زیادی و به‌خصوص شاعران و نویسندگان جوان و جوای نام را شامل نشده‌اند. این مسئله ضرورت تالیف جلد دوم سخنوران نایین و در واقع تکمله‌ای بر کتاب حاضر را دوچندان می‌کند. نگارنده امید دارد که

با همکاری مؤلفان و محققان گرانقدر در حوزه فرهنگ و ادب نایین، بتواند این امر مهم را نیز جامه عمل پوشاند و به زیور طبع بیاراید.

در پایان بر خود می‌دانم از ارشاد و راهنمایی همکاران و استادان عزیزم در دانشگاه پیام نور و به‌خصوص جناب آقای دکتر گرجی، مدیر محترم دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، قدردانی نمایم. سرکارخانم دکتر خطیب‌نیا با مطالعه دقیق این کتاب و ذکر نکاتی ارزشمند، بر غنای مطالب افزودند؛ از ایشان سپاسگزارم. همچنین از مساعدت مدیر محترم انتشارات دانشگاه پیام نور و نیز از صبوری و همکاری خانواده‌ام، بی‌نهایت سپاسگزارم.

علیرضا بافرانی

اصفهان - مهرماه ۱۴۰۴



## ۱-۱ مقدمه مصحح

### ۱-۱-۱ ناین شهر هزاره‌های تاریخی<sup>۱</sup>

شهرستان ناین در فاصله ۱۴۰ کیلومتری اصفهان و ۱۷۰ کیلومتری یزد، از سوی در سر راه های اصفهان به یزد و بندرعباس و خلیج فارس و از سوی دیگر در مسیر راه کاشان و تهران قرار دارد. علاوه بر این، ناین دروازه شرق ایران و راه قدیمی و طبیعی به طبرس و خراسان و بلاد شرقی ایران زمین است و افتتاح راه‌های کویری، ناین را محور ارتباط بین خلیج فارس و کشورهای شرق خزر (آسیای میانه) قرار داده است. (امامی ناینی، ۱۳۷۸: ۲) این موقعیت و جایگاه فعلی ناین، ریشه در تاریخ و قدمتی چند هزار ساله دارد تا آنجا که در متون مختلف تاریخی و سفرنامه‌ای نیز به ناین و جایگاه آن اشاراتی شده است. مؤلف مجهول‌الهویه حدودالعالم (متعلق به نیمه قرن چهارم هجری) می‌نویسد: «ناین، شهری است آبادان و با نعمت و اندر کوه وی، معدن سیم است. سیب آنجا فراوان است و... در جای دیگر گوید: میبد و ناین، شهرک‌هایی هستند سردسیر و با نعمت بسیار بر حله میان پارس و بیابان.» (سجادی ناینی، ۱۳۷۹: ۱۱)

---

۱. درباره علت نام‌گذاری ناین به این نام، وجوهی ذکر شده است؛ عده‌ای بر این باورند که شهری به نام «هوم» یا «وهوم» در چند کیلومتری محل فعلی ناین بوده که مردم آن زرتشتی بوده‌اند و بعدها نائن پسر نوح(ع) بر سران شهر «هوم» و «وهوم» غلبه کرده و در این مکان، شهری ساخته و به نام شریف خود «نائن» یا «ناین» نامیده است. وجه دیگر ناین را برگرفته از کلمه «نی» می‌داند و دلیل آن زیادی نیزارها در این مکان است. وجه دیگر که تا حدودی ضعیف به نظر می‌رسد این است که ناین به معنی جمال، کلمه‌ای است عبری و یکی از شهرهای فلسطین هم به همین نام است. (جامع ناینی، ۱۳۸۳: ۱۹)

ویلیام جکسون در سفرنامه خود، درباره ناین چین می‌نویسد: «من از قدمت ظاهری شهر در شگفت شدم و دیدم که جغرافی دانان مسلمان قرن سوم و چهارم هجری نیز از آن نام برده‌اند؛ اما هنوز نتوانسته‌ام ردّ تاریخ آن را در دوره ساسانی بازیابم. هرچند تسمیه قلعه قدیمی آن به قلعه گبری (نارنج قلعه) و استعمال نام‌های زرتشتی در نامیدن بعضی از اعمال و اماکن آن، خود دلیلی بر کهنسالی آن است.» (جکسون، ۱۳۵۲: ۴۵۷)

اشاره جکسون به قلعه گبری یا نارنج قلعه، قلعه‌ای است که در نزدیکی مسجد علویان در محله باب المسجد، قرار دارد. این قلعه بسیار قدیمی است و از خشت خام ساخته شده است. خشت‌های خام آن دارای نیم ذرع و یک ربع عرض و وزن هر خشت ۷ الی ۸ من است. عمارت زیرین برج قلعه به تلّ خاکی تبدیل شده ولی خود برج که ۲۵ ذرع ارتفاع دارد باقی است. در اطراف این قلعه در قدیم خندقی بوده به عرض ۲۵ ذرع ولی اکنون پر شده است. از این قلعه، مدرکی که دلالت بر سال احداث آن کند وجود ندارد و فقط سبک ساختمان و نحوه متلاشی شدن آن نشان می‌دهد که پیش از اسلام ساخته شده است و احتمال می‌رود که برای آتشگاه احداث شده باشد. باستان‌شناسان معتقدند که احداث این قلعه به زمان پیش از اسلام، از اشکانیان تا ساسانیان می‌رسد و هسته اولیه ناین، در ابتدا همین قلعه و حمام مجاور آن بوده است. در میان قلعه و در برج‌های چهار طرف آن، چاه‌های عمیقی بوده که از آنها به وسیله راه‌های زیرزمینی به خارج می‌رفته‌اند و راهی به مسجد جامع نیز داشته است. ارتفاع قلعه از سطح کوچه‌ها ۲۵ متر و از کف خندق ۴۰ متر است که در گذشته از این مقدار مرتفع‌تر بوده و اکنون به تلّ خاکی شبیه است تا عمارت. جنگ امیر مبارزالدین محمد، پادشاه آل مظفر، و ملک اشرف چوپانی در این قلعه واقع شده است. (مشکور، ۱۳۷۱: ۴۶۶)

مؤلف کتاب «مسالک و ممالک» نیز فارس را ایالت قدیمی ایران و محل تشکیلات دولت هخامنشی ذکر می‌کند که در دوره ساسانیان و پس از اسلام به پنج ولایت یا استان، تقسیم شده و هر قسمت، کوره نامیده می‌شده است. در دوره‌های ساسانی و پس از اسلام، شهر ناین جزو یکی از این کوره‌ها به‌شمار می‌آمد. (اصطخری، ۱۳۷۳: ۹۵) علاوه بر این «قرار گرفتن ناین، جزو ایالت و استان فارس نیز مربوط به زمانی است که ناین از نظر تشکیلات اداری و کشوری، جزو استان یزد بوده است؛ هرچند که خود یزد نیز زیر نظر استان فارس قرار داشته است. ابن حوقل در «صورة الارض» می‌نویسد: «اما ناحیه اصطخر بخش یزد، بزرگ‌ترین بخش‌های آن است و این شهرها در آن قرار دارد؛ کته که قلعه

شهر است، مید، نایین و فُهرج و هیچ ناحیت دیگری جز این چهار ناحیت، منبر ندارد. (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۳۶) در اواسط قرن اول هجری، شهر نایین در شمار فتوحات اسلامی درآمد. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۱) اعراب عامری که بعدها از قسمت‌های سفلی اردستان به نایین و به نواحی خوش آب و هوای آن، کوچ کردند در همین زمان وارد ایران شدند. دسته‌ای از مردم، شافعی و دسته دیگر شیعه شده‌اند و مدتی بعد همگی به مذهب تشیع درآمده‌اند. شهر نایین که پیش از اسلام، مرکز اداری- خدماتی بخشی از یزد بود پس از اسلام نیز موقعیت خود را کماکان حفظ کرد و تنها در دین و ایدئولوژی مردم، تحوُّلی گسترده به وجود آمد. به خاطر عشق و ارادت مردم مسلمان نایین به ائمه اطهار و تلاش در برگزاری باشکوه مناسک عبادی، نایین را از قدیم به نام‌های **مدینه العرفا**، **مدینه الصفا** و **شهر مساجد** می‌نامیدند. (جامع نایینی، ۱۳۸۳: ۲۰)

اهمیت برگزاری مراسم نماز جماعت، موجب گردید که در آغاز پیدایش و نفوذ اسلام در ایران، در هر شهر تنها یک مسجد جامع بنا شود تا همه مسلمانان شهر در آن تجمع کنند و نماز جماعت را برپا دارند. ساختن مسجد جامع در ابتدا منحصر به شهرها بود و در روستاها اجازه ساخت مسجد جامع داده نمی‌شد. به عبارت دیگر، داشتن مسجد جامع، یکی از امتیازات حقوقی شهر نسبت به روستا بود؛ اما در دو سه قرن بعد در برخی روستاهای بزرگ نیز مسجد جامع ساخته شد. احداث مسجد جامع نایین در برخی از منابع تاریخی به دوره یکی از خلفای اموی موسوم به عمر بن عبدالعزیز در قرن اول هجری نسبت داده شده است اما در منابع باستان‌شناسی، این مسجد را از آثار اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم هجری دانسته‌اند. (سلطان‌زاده، ۱۳۷۴: ۲۷)

در قرن پنجم هجری، شهر نایین مانند دیگر شهرهای نزدیک اصفهان، مورد توجه قرار گرفت. در نیمه اول این قرن، ناصر خسرو شاعر پرآوازه از نایین عبور کرده و به این شهر، اشاره نموده است. او در سفرنامه‌اش درباره اوضاع اجتماعی نایین، چیزی نوشته است. «... و بیست و هشتم صفر بیرون آمدیم. به دیهی رسیدیم که آن را هیثم آباد گویند و از آنجا به راه صحرا و کوه مسکیان به قصبه نایین آمدیم و از سپاهان تا آن جا سی فرسنگ بود و از نایین، چهل و سه فرسنگ برفتیم به دیه گرمه از ناحیه بیابان...» (دبیرسیاقی، ۱۳۳۵: ۱۲۴)

سال ۶۱۷ هجری برای ایران، سالی تلخ و سراسر اندوه است. حمله ویرانگر قوم مغول و تاراج قسمت‌های زیادی از ایران به دست مغولان از جمله نقاط تاریک و سراسر

وحشت تاریخ است. عبور مغولان از ناین در هاله‌ای از ابهام وجود دارد و در منابع تاریخی نیز به آن اشاره‌ای نشده است. مؤلف تاریخ مغول به عبور مغولان از شهر اصفهان اشاره می‌کند و می‌گوید: «مغولان در حین پیشروی از اصفهان، کرمان و یزد، سلجوق را به تسلیم دعوت کردند و به وی وعده دادند که در این صورت، مورد عفو قرار خواهد گرفت.» (اشپولر، ۱۳۵۱: ۱۴۹) با این سند می‌توان ادعا کرد که مغولان از شهر ناین نیز گذشته‌اند و شاید به دلیل تسلیم شدن مردم ناین در برابر آنها، از قتل و غارت مردم، چشم‌پوشی کرده‌اند؛ اما مؤلف کتاب «ناین قدیم» در این باره می‌نویسد: «در هنگام یورش چنگیز به ایران (سال ۶۱۷ هجری) و حملات تیمور، ناین نه جذابیتی چون نیشابور و بخارا و نه نام و آوازه‌ای چون ری و مرو و نه معروفیتی چون بغداد و هرات داشت و این خود باعث نجات و دور ماندن مردم آن از کشتار و خرابی شد. (سجادی ناینی، ۱۳۷۹: ۱۳۴)

با روی کار آمدن ایلخانان و حکومت غازان و سلطان محمد اولجایتو که پس از تشرّف به دین اسلام به لقب «خدابنده» ملقب شد؛ در ناین نیز تحولاتی به وقوع پیوست. در دوران حکومت این دو ایلخان که با وزارت خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی مقارن است، اصلاحات اساسی در بیشتر شهرهای ایران به وجود آمد. (همان: ۱۴)

شهر ناین در زمان حکومت شاه سلطان حسین صفوی از قتل و غارت برکنار نماند و افغان‌ها در مسیر حرکت خود به سوی اصفهان، خرابی‌های زیادی برجای گذاشتند. هرچند که ناین به سبب تسلیم شدن مردم آن، خسارت چندانی ندید؛ اما در بافران که از توابع آن است به سبب مقاومتی که در مقابل آنها شد، عکس‌العمل شدید بروز داده و به قتل عام مردم پرداختند. (بافرانی، ۱۳۸۸: ۲۱)

نقش ناین در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، در دوران قاجار و پهلوی و بعد از آن در دوران انقلاب اسلامی نیز با توجه به موقعیت استراتژیک آن چشمگیر بوده است. نهضت مشروطه و نظریه‌پرداز آن مرحوم آیت‌الله میرزای ناینی و نیز وجود وکلای گران قدری چون شهید شمس‌الدین حسینی و دکتر سید حسین فاطمی که از او به‌عنوان پیشنهاد دهنده ملی شدن صنعت نفت نام برده می‌شود، همگی نشان‌دهنده استعداد والای مردان این خطه است که با وجود کمبودها و محرومیت‌ها در همه عرصه‌های زندگی حضوری فعال و مؤثر دارند. علاوه بر این، ناین از دیرباز کانون اندیشه‌های ادبی و هنری در عرصه شعر معاصر و تحولات آن نیز بوده است. وجود بزرگانی چون عبرت ناینی، جلال بقایی ناینی، مجید

منوچهری نایینی و دیگر ادیبان و هنرمندان، زمینه مساعدی را برای شکل‌گیری انجمن‌ها و کانون‌های ادبی و هنری نایین فراهم کرده است. انجمن‌هایی مانند: جلوه نایین، بهار ادب، چکاوک، نیستان بافران و نیز موسسات فرهنگی و هنری نسیم مهر نایین و بنیان فرهنگ و هنر نایین، تنها بخشی از این موسسات و انجمن‌های ثبت شده در بنیاد شعر و ادب ایرانیان و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی است که به صورت مستمر و هدفمند به فعالیت‌های ادبی و هنری می‌پردازند. در این میان نقش انجمن‌ها و محافل ادبی در تربیت نسل پویا و تواندیش، برجسته و قابل توجه است.

### ۱-۱-۲ انجمن‌های ادبی نایین

انجمن‌های ادبی، مجالس گردهمایی شاعران و ادیبان فارسی‌زبان است که هدف از تشکیل آنها پرورش فکری و گسترش هنر و ذوق شعری دوست‌داران شعر و ادب است. در این انجمن‌ها شاعران، سروده‌های خود را می‌خوانند و دبیر جلسه و دیگر حاضران، در باب آن اظهار نظر می‌کنند و به اصلاح شعر می‌پردازند. این انجمن‌ها در ایران، پیشینه‌ای کهن داشته و به‌طور معمول دارای دو شکل بوده‌اند: یکی دوستانه و خصوصی که برپایه هم‌اهنگی مشرب و سلیقه و یا به تناسب سن و سال در محل‌هایی مانند منازل، خانقاه‌ها، مدارس، آرامگاه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و در دوره‌های اخیر، در کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها برپا می‌شد، و دیگری، محافل رسمی که بنابر تکلیف دیوانی و به‌صورت گروه‌های ناهمگون، در حضور پادشاهان شکل می‌گرفت. (افشار، ۱۳۶۵: ۳۷۷)

شعرخوانی، طرح غزل و دیگر انواع شعر و معارضات شاعرانه، سرودن اخوانیات و مطایبات از مسائل عمده در این انجمن‌ها بود. (همان: ۳۷۸) انجمن‌های خصوصی و دوستانه، برخلاف انجمن‌های رسمی، عمری بسیار کوتاه داشتند، زیرا با کناره‌گیری یا درگذشت شاعران برجسته هر انجمن، ناهماهنگی میان افراد، مشکلات مالی و سیاسی، کم‌بودن وسایلی که پدیدآورنده ارتباط فرهنگی میان افراد است، پافشاری بر حفظ روش‌های سنتی و میدان ندادن به جوانان، دوره انجمن‌ها به سر می‌رسید.

بی‌شک از آغاز سرودن شعر به زبان فارسی، مجالس و مجامعی چه به‌صورت رسمی و چه غیررسمی وجود داشته و شاعران، مدام در معرض نقد و بررسی و داوری بوده‌اند؛ اما «از نخستین انجمن‌های ادبی شناخته شده دارای هدف و سازمانی منظم، انجمنی بود که به

همت سیدعلی مشتاق اصفهانی در اوایل سده ۱۳ قمری، برای نقد سبک هندی، در اصفهان تشکیل شد. پس از آن در دوره قاجار و پهلوی، انجمن‌های گوناگون ادبی برپا شد که از آخرین آن‌ها می‌توان به محفل صادق هدایت در کافه فردوسی تهران اشاره کرد. (همان: ۸۰۴)

انجمن‌های ادبی بیشتر در شهرهای اصفهان، شیراز، تهران، تبریز، مشهد، همدان و یزد، برپا شده است. انجمن مشتاق و انجمن‌های واله، نشاط، ابوالفقر، دانشکده (شیدا)، کمال، صائب، عنقا، سرتیپ، سعدی، حکیم نظامی، وحید دستگردی و سرای سخنوران، از مهم‌ترین انجمن‌های اصفهان به‌شمار می‌آیند. (سپنتا، ۱۳۶۵: ۳۸۵) به موازات مراکز استانی، در شهرهای کوچک و حتی روستاها نیز این گردهمایی‌های شاعرانه رونق می‌گرفت و هر روز بر مشتاقان و علاقه‌مندان به شعر و در کنار آن موسیقی افزوده می‌شد. به‌عنوان مثال در نایین که از دیرباز به داشتن شعرا و ادیبان فاخر، معروف است؛ این گردهمایی‌ها در ابتدا با محوریت بزرگان شعر و ادب نایین مانند جلال بقایی نایینی، عبرت نایینی، مجید منوچهری نایینی و بعدها علاقه‌مندانی چون علیرضا انواری، عبدالحمید مرزوق، رسول زمانی نایینی، احمد گرگان محمدی، رحمت‌الله انواری، سید رضا موسوی، علی غفرانی و خانم ثقفی، شکل می‌گرفت. چه بسا این گردهمایی‌ها از یک جمع دو نفره و خصوصی، شروع می‌شد و به یک جمع چندده نفره و بیشتر می‌رسید. با وجود مشکلات فراوان در خصوص مکان برگزاری جلسه، هر هفته یک نفر میزبان شعرا می‌شد. بیشتر شرکت‌کنندگان در این جلسه‌ها نیز ابتدا مردان بودند؛ ولی کم‌کم زنان شاعر و نویسنده نیز جزء مهمی از این جلسات می‌شدند. با گسترش کمی و کیفی اشعار، یک نفر را که در نویسندگی و نقد شعر، تبحر داشت مسئول جمع‌آوری و تدوین این اشعار می‌کردند و او نیز با استمداد از دیگر شاعران و نویسندگان انجمن، این کار را به سرانجام می‌رساند. تذکره سخنوران نایین را نیز مرحوم بقایی به خواست دوستان و هم‌شهریانش نوشت و با وجود رنجوری و بیماری، به تنهایی این کار ارزشمند را به اتمام رسانده است. با این حال از خود و زندگی‌اش در این تذکره نشانی نداده و آن را به دیگران سپرده است. از این روی این پرسش در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد که جلال بقایی نایینی، نویسنده «تذکره سخنوران نایین» و شاعر «پرتو اندیشه» کیست؟

سخن هم زنده می‌ماند کس از نغز و متین آرد

هم آن صاحب سخن را جاودانی زنده می‌دارد

### ۱-۱-۳ جلال بقایی نایینی کیست؟

نامش جلال، شهرتش بقایی نایینی، فرزند مصطفی بقایی. «در سال ۱۲۸۷ هجری شمسی در نایین از مادر بزاد و همان‌جا در مکاتب قدیم به تحصیل پرداخت. مقدمات عربی و فرانسه را در کنار دروس مکتبی و نزد افراد آشنا و مطلع آموخت و سپس به مطالعات پیگیر در تاریخ و متون ادب فارسی پرداخت. جد پدری ایشان میرزا ابوالحسن، متخلص به غلوی است و جد مادری ایشان حاج میرزا کوچک خان، متخلص به سُور از شاعران عصر فتحعلی شاه قاجار است که در بعضی تذکرها به نام سرور اصفهانی آمده است و میرزا جعفر طرب نایینی از شاعران روزگار فتحعلی شاه قاجار از عموزادگان نیاکان بقایی است و میرزا محمد خان متخلص به «غوغا» عموزادهٔ مادر ایشان است.» (امامی آرندی، ۱۳۹۷: ۲۷۶) بقایی در مدت زمان عمرش در اداره دارایی مشغول به کار بوده و همیشه با وجدان کاری و حُسن عمل خویش، مشهور و معروف بوده است. از او فرزند آبی و خاکی برجای نمانده؛ ولی فرزندان ادبی گرانبهایی را به یادگار گذاشته است. «پرتو اندیشه» که شامل قطعه و نمونه‌های شعری بقایی است که خود در سال ۱۳۶۶ و در انتشارات پازنگ به طبع رسانده و نیز کتاب ارزشمند «تذکرهٔ سخنوران نایین» که شرح آن از این پس خواهد آمد. در سال ۱۴۰۱ نیز سید محمود رضوی با همکاری محمد بقایی «برادرزادهٔ مرحوم جلال بقایی» غزلیات و دیگر شعرهای جامانده از «پرتو اندیشه» را در قالب کتاب «شهد قلم استاد» منتشر نموده‌اند. اما آنچه باعث شهرت بقایی شده قطعه‌های اوست تا آنجا که محمدحسین شهریار در منظومه‌ای که برای شعرای زمانه و معاصر خود سروده به استادی او در این قالب اذعان کرده است: «غزل‌سراست رفیعا و گلبن از نایین/ به قطعه نیز بقایی حریف ابن یمین» (شهریار، ۱۳۷۶: ۳۹۰) مجید منوچهری نایینی، شاعر خوش‌قریحه و معاصر نیز دربارهٔ او چنین سروده است:

ای تو را آستانِ طبع بلند	بوسه گاه روان ابن یمین
کم فروغ است در برابر تو	اختر چرخ شاعری پروین
سربلند است در جهان ادب	با وجود تو خطهٔ نایین
زادگان قریحه‌ات الحق	همه نغزند و دلکش و شیرین
همه نغزند چون تواند کرد	قطعات تو را کسی گلچین

(منوچهری نایینی، ۱۳۸۴: ۳۶)

علاوه بر این، نامه‌نگاری‌ها و مراوده‌های ادبی و علمی او با نشریه‌های ادبی آن زمان مانند گوهر و یغما، زمینه‌آشنایی با شخصیت‌های ممتازی مانند ایرج افشار، علی اصغر حکمت، باستانی پاریزی، حبیب یغمایی و گلچین معانی را فراهم کرد و نشان از آن دارد که بقایی، شاعری پرآوازه و نامدار در زمانه خود و بعد از آن بوده است. (رک. بقایی، ۱۳۶۶: ۱۵۰) با آن که در ابتدا به غزل‌سرایی گرایش داشت ولی دیری نپایید که از آن روی‌گردان شد و شاید خود فهمید که این قالب با روحیه انتقادی و اصلاح‌گرایانه و در عین حال شوخ طبع و طنزآش سازگاری ندارد. به همین دلیل دفتر غزل‌سرایی را بست و اذعان کرد که: «این جانب نیز مانند سایر شعرا در ابتدا غزل می‌گفتم؛ لکن روی عقیده شخصی خود اگر آن‌ها خوب یا بد بود، ترکشان کردم و چون در این دفتر جمع شده، امید است مورد سوءاستفاده افرادی چون خودم کم‌مایه قرار نگیرد.» (رضوی، ۱۴۰۱: ۲۲۹)

بقایی در ابتدای کتاب فاخر پرتو اندیشه نیز می‌گوید: «در طول عمر ادبی خود با مطالعه آثار شعرائی که دیده‌ام چنین استنباط کرده‌ام که مخصوصاً در غزل‌سرایی، بیشتر اصل مضامین یکی است که جز چند تن، هریک آن‌ها را به‌نحوی با سلیقه خود به رشته نظم کشیده بعضی بهتر و برخی بدتر؛ گرچه همه آن‌ها زاینده هنر است. به‌علاوه در کشور ما میلیون‌ها غزل گفته شده که واقعا بسیار جالب و جاذب است در اثر وفور، جامعه ما از غزل اشباع شده و غزلیات حافظ و سعدی و جامی و امثال آن‌ها از متقدمین و تعدادی از متاخرین کافی است. بنده نیز بر این عقیده راسخم که ادبیات باید نو شود، اما از جهت مضامین و مفاهیم نه با شکستن قواعد و قوالب شعری و لذا این جانب چندین غزل سروده خود را کنار گذاشته از انواع شعر، قطعه را انتخاب کردم که معمولا هم باید محتوایش جالب و هم حتی‌الامکان ناگفته باشد و این است که چون مطالبش اعم از جد و هزل و طنز ناشنیده است، حتی اساتید مرا به چاپ و نشرش امر و تشویق می‌فرمایند.» (بقایی، ۱۳۶۶: ۸)

علاوه بر این از او کتابی منشور با نام تذکره سخنوران نایین نیز بر جای مانده که تنها اثر قابل توجه و سند مکتوب از شعرای متقدم نایین از قرن هفتم تا پیروزی انقلاب اسلامی است. با این حال آنچه بیش از همه در این سال‌ها در گرد و غبار فراموشی به سر برده و تنها معدود محققان و علاقه‌مندان به شعر و ادب با آن در ارتباط بوده‌اند؛ همین کتاب «تذکره سخنوران نایین» است. تذکره‌ای به خط میرزا سید محمدباقر رفیعی طباطبایی نایینی، شرح حال صد و پانزده شاعر مرد و تنها سه شاعر زن که در شرح تذکره به آن خواهیم پرداخت.

بقایای تا آخر عمر پربرکت خود در نایین زیست و در ۳۱ فروردین ۱۳۷۶ هجری شمسی به رحمت ایزدی پیوست و در بهشت کبرای نایین، آرام گرفت.

هر روز و شبی که آمد و رفت	این دفتر عمر من ورق خورد
چون دستِ ورق‌زنِ طبیعت	انگشت به آخرین ورق برد
از ما چه اثر جز این که گویند	کی زاد فلان و کی فلان مرد

در پایان بهتر است که شرح حال بقایی را از زبان شاعرانه خودش هم بشنویم؛ چرا که در این شرح حال، واقعیت‌هایی ثبت شده که در هیچ منبع و مأخذی نمی‌توان مانند آن را یافت.

چو اندر بند احساسات انسانم بدین سانم  
 که در دریای هستی کشتی بشکسته سگانم  
 نه از احفاد سیروس و نه از اعقاب ساسانم  
 چه بد باشم که مادر شیر داد از پاک پستانم  
 که بدبختانه نه اینم به سر مانده است نه آنم  
 برای این که می جوید کمالتش را به نقصانم  
 دلیل دانش من این که می دانم که نادانم  
 نه دانشگاه را دیدم نه شاگرد دبستانم  
 زبانِ نغزِ تازی داده الهام فراوانم  
 سخن سنج و سخن پیرا سخنگوی و سخندانم  
 نه اندر قید جاه و منصب و القاب و عنوانم  
 که باشد طبع موزونی و موروث از نیاکانم  
 شکیب و راثی و مشتاقی از من، من از ایشانم  
 نکردم ضبط تا ثبتش کنم اکنون به دیوانم  
 چو مشغول به خود می‌داشت کار نابسامانم  
 دریغ از این که با طبع حرون، تنگ است می‌دانم  
 مطیع سبک هندی یا عراقی یا خراسانم  
 اگر چه در همه نوعی بود طبعم به فرمانم

کی‌ام من؟ گوهری مفقود و موجودی پریشانم  
 از آن افتاده‌ام در لُجّه گرداب حیرانی  
 نه اشکانی نه ساسانی نه صفّاری نه سامانی  
 پدر از نیک مردان بود و من هم زاده‌اویم  
 رباب و مصطفی بُد نامشان وز آن در آزارم  
 همی حاسد به نیرنگ و ریا عیب مرا گوید  
 به نادانی اگر نسبت دهد نادان بدخواهم  
 ز باب و مکتبی آموختم مقداری از دانش  
 به عمری فارسی آموختم از این و آن اما  
 حقیقت ره، حقیقت گو حقیقت بین حقیقت‌جو  
 نه اندر بند مال و ثروت و آغنام و أحشامم  
 نبردم بهره از مال نیاکان لیک خرسندم  
 سُرور و غلوی و رفعت، ادیب و مُجرم و غوغا  
 به دور کودکی هم با ملاحظت، شعر می‌گفتم  
 فزون از بیست‌سالی تَرک کردم شعر گفتن را  
 مرا چوگانِ نظم و گوی شعر اندر کف است اما  
 نکردم انتخاب سبک مخصوصی که تا گویم  
 ولی از شعر نوپرداز هم دل خوش نمی‌دارم